

عدل الهی



■ کتابخانه اصول عقاید
۱۳۵۷

در این کتاب که تدوین یافته چند سخنرانی استاد شهید مطهری در حسینیه ارشاد است، تلاش شده ابتدا اصل مسئله «عدل الهی» به روشنی طرح شود و سپس مسائل مرتبط با آن نظیر تبعیض‌ها و تفاوت‌ها، قضا و قدر، شُرور، مجازات‌های اخروی و... مورد بحث استدلالی قرار گیرد. نکته مهم و قابل توجه درباره این کتاب ارائه مباحث دشوار فهم و دیرپای فلسفی و کلامی با بیانی شیوا و روان است.

مسئله شناخت



■ کتابخانه فلسفه
۱۳۵۷

این کتاب مجموعه‌ای است مشتمل بر ۱۰ جلسه سخنرانی آن متفکر شهید که با توجه به رواج افکار مارکسیستی در آن دوران، به نوعی پاسخ به نیاز مبرم فکری آن زمان بوده، گرچه مسئله شناخت پایه جهان‌بینی به شمار می‌رود. در این کتاب مطالبی همچون امکان شناخت، ابزارهای شناخت، منابع شناخت، مراحل و درجات شناخت، مکانیسم تعمیم شناخت حسی و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

خدمات متقابل اسلام و ایران



■ کتابخانه تاریخ
۱۳۴۹

مطالب بحث‌شده در این کتاب که در اصل تکمیل شده‌اند، جلسه سخنرانی استاد شهید مطهری در حسینیه ارشاد است، مجموعاً در سه بخش: اسلام از نظر ملیت ایرانی، خدمات اسلام به ایران، و خدمات ایران به اسلام تدوین یافته است. این کتاب که در پاسخ به دو قرن سکوت زرین کوب نوشته شده، نقش اساسی در مبارزه با سیاست رژیم شاه در اسلام‌زدایی از ایران و ترویج ناسیونالیسم ایرانی داشته است.

تشریحی و قانونی، نظامی عادلانه باشد و ثانیاً به مرحله اجرا درآید.

۳

حقوق بشر

مطهری زمانی که درباره اندیشه حقوق بشر و مبانی آن بحث می‌کند، حق افرادی مانند روسو، ولتر و مونتسکیو را که افکار خود را درباره حقوق طبیعی و فطری و غیرقابل سلب بشر منتشر کردند، بر بشریت بسیار زیاد می‌داند. وی وقتی در مورد رفتار عملی دولت‌های غربی در زمینه حقوق بشر بحث می‌کند، به شدت از آنها انتقاد می‌کند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که مطهری نسبت به اندیشه جهانی حقوق بشر خوش‌بین است و آن را برای سعادت بشری امری ضروری قلمداد می‌کند. مطهری دین اسلام را دین بشردوستی می‌داند. این تلقی، مبنای نگرش شهید نسبت به اندیشه و محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بر همین اساس وی اعلام می‌کند که روح و اساس اعلامیه حقوق بشر که بر حیثیت و شخصیت ذاتی انسان تأکید دارد، مورد تأیید اسلام است. مطهری از آنجا که کرامت ذاتی انسان را نقطه قوت اعلامیه می‌داند، آن را با اسلام سازگار دانسته، معتقد است یکی از تعالیم اساسی اسلام، کرامت ذاتی انسان است. از سوی دیگر، مطهری مبنای حقوق بشر را حقوق طبیعی افراد می‌داند که از طبیعت استخراج شده و تنها منبع اطلاع از آن طبیعت است. وی از این هم فراتر رفته، به سابقه تاریخی این اندیشه در سنت فکری مسلمانان اشاره می‌کند که بر اساس آن علمای اسلام با تبیین و توضیح عدل، پایه فلسفه حقوق را بنا نهادند؛ اما مقدر چنین بود که کار خود را ادامه ندهند و پس از تقریباً هشت قرن، دانشمندان و فیلسوفان اروپایی آن را دنبال کنند و این افتخار را به خود اختصاص دهند.

۴

دموکراسی

به طور کلی، نگرش مطهری به دموکراسی مثبت است. وی معتقد است که اصول و احکام اسلام با اصول دموکراسی سازگار است. با این حال، مطهری تعریف چندان روشنی از دموکراسی ارائه نداده و برداشت خویش را از آن بیان نمی‌کند و از مبانی فکری و ارزشی آن بحثی به میان نمی‌آورد اما با بررسی آثارش می‌توان به این نتیجه رسید که مراد وی از دموکراسی بیش از همه تعهد حکومت در تأمین و احترام به حقوق مردم است و در استنادهایی که به سیره حکومتی حضرت علی علیه‌السلام می‌کند، همین مقوله را مدنظر دارد. مطهری دموکراسی را حکومتی می‌داند که در آن، حکومت حق مردم محسوب می‌شود و آن را از دیگر انواع حکومت‌ها تفکیک می‌کند و می‌نویسد: حق عموم مردم است از باب اینکه همه مردم علی‌السویه آفریده شده‌اند (بر خلاف حق طبیعی) و حکومت یک امر دنیایی است و مذهب نباید در این امور دخالت کند یا اساساً منکر مذهب شده‌اند، و بالاخره به مردم تعلق دارد نه به خدا، اعم از اینکه قائل به خدا باشیم یا نباشیم (بر خلاف نظریه حق الهی) و دیگر اینکه امتیاز طبقه خاصی نیست (بر خلاف نظریه آریستوکراسی). بر این اساس، [دموکراسی] حکومتی است که وضع قانون، اجرای قانون، تعیین واضح و مجری قانون، همه بر عهده مردم است. مطهری با این تبیین و تفکیک آن از سه نظریه حق طبیعی، حق الهی و حق آریستوکراتیک، آن را با اسلام سازگار می‌داند.

نمی‌کند، در حالی که اصولاً تعیین احتیاجات ثابت و تفکیک آنها از احتیاجات متغیر و چگونگی به‌کارگیری عقل در حوزه امور دینی و استنباط‌های سیاسی و اجتماعی از دین، امور پیچیده‌ای هستند که بالقوه می‌توانند منشأ اختلاف‌های فکری و سیاسی بسیاری باشند. تمام این راهکارها در برخی موارد، به‌خصوص در زمینه تطبیق اسلام با یافته‌های علوم طبیعی، می‌تواند موثر باشد؛ ولی در تطبیق اسلام با اندیشه‌های جدیدی که مقبولیت عام پیدا می‌کنند، دشواری‌هایی خواهند داشت. مطهری در این زمینه و در مورد برخی مصادیق بحث‌هایی را ارائه می‌کند که به بررسی پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

۱

آزادی

نگاه مطهری به مقوله آزادی، از موضع حق نیست؛ بلکه از موضع ضرورت است. مطهری، آزادی را در حوزه‌های مختلف زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی، ضرورت اساسی برای تکامل انسان تلقی می‌کند و معتقد است که آزادی نمی‌تواند به عنوان حقی در کنار حقوق دیگر تلقی شود. بنابراین، مبنای آزادی... استعدادی است که آفرینش برای سیر مدارج ترقی و تکامل به وی داده است. بنابراین اساس آزادی از دیدگاه مطهری، در نهاد و فطرت انسان نهفته است؛ چون انسان مختار و آزاد آفریده شده است؛ یعنی به او عقل، فکر و اراده داده شده است. این اراده، منشأ حق انتخاب انسان است. بنابراین، نگرش مطهری به آزادی، نگاهی فلسفی است. با این حال، این آزادی اراده از دید وی مطلق نیست، بلکه تا جایی محترم است که با استعدادهای عالی و مقدسی که در نهاد بشر است، هماهنگ باشد و او را در مسیر ترقی و تعالی بکشانند؛ اما آنجا که بشر را به سوی فنا و نیستی سوق داده و استعدادهای نهانی او را به هدر می‌دهد، احترامی نمی‌تواند داشته باشد. در واقع، مطهری به آزادی در تمامی حوزه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی با همین قید نگاه کرده و همین هم نوع نگاه او را در مدار نگرش سنتی حفظ می‌کند.

۲

عدالت

اساس فلسفه اجتماعی مطهری و نگرش وی به مقوله‌های سیاسی و اجتماعی، عدالت است. از نظر وی، عدل بالاترین معیاری است که همه امور را باید با آن سنجید، به همین دلیل، او عدالت را ملاک شرعی بودن می‌داند، نه شرعی بودن را ملاک عدالت. هر آنچه که عادلانه است، منطبق با دستور شریعت است. بنابراین وی حکم شرع و عدل را یکی می‌داند. با این حال، نگرش مطهری به عدالت کاملاً درون دینی است. وی یکی از اهداف بعثت انبیا را عدالت دانسته و معتقد است که بر اساس کلام شیعی، روزی فرا خواهد رسید که در آن عدالت بر جهان حکم فرما خواهد شد. او عدالت را «سنت الهی» و میل به عدالت و عدالت‌خواهی را اصلی فطری در انسان می‌داند. یکی از تعریف‌های مطهری از عدالت، رسیدن هر ذی‌حقی به حق خود است. بنابراین مطهری تساوی کامل را عادلانه ندانسته، بلکه آن را عین بی‌عدالتی می‌داند؛ چون انسان‌ها در نهاد و استعدادها خود نابرابر هستند. از نظر مطهری پشتوانه تمام مقدسات بشری، اعم از عدالت، مساوات، آزادی و انسانیت فقط دین است. بدیهی است که برقراری عدل در نظامات اجتماعی موقوف به این است که اولاً نظام



مطهری راهکارهای مختلفی را که دین اسلام برای تطبیق با مقتضیات عصر پیش‌بینی کرده، مورد بحث قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این راهکارها، اجتهاد است. از نظر وی اجتهاد یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که برای کشف قوانین متحول، در فقه اسلامی تعبیه شده است. در عین حال، اجتهاد یک مفهوم «نسبی» و متکامل است و در هر عصر و زمانی ایجاب می‌کند. مطهری این نسبت را ناشی از دو امر می‌داند: قابلیت و استعداد پایان‌ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق، و تکامل طبیعی علم و افکار بشری